

۲۰۴۶ آخرین شکل دستنویس وانگ کار - وای درباره زمان است، مضمونی که به مسئله توأمان دیگری دامن می‌زند: خاطره

مفسرین زمان و خاطره می‌توانند در فیلم روزهای وحشی بودن، ۱۹۹۰ وانگ کار - وای، ریشه‌های شند که اولین فیلم او از آثار حماسی، شخصی، اوست که وانگ از آن به بعد، در داستان آن‌ها تصمیمی بر سرف هزینه‌های عظیم و برنامه‌های تولید بسیار طولانی به‌دست آورد. روزهای وحشی بودن همچنین فیلمی بود که برای وانگ موفقیتی انتقادی را به‌دست آورد، و فیلمی که در آن، او پرداختن به‌دل‌مشغولی دیگرش یعنی یادآوری نوستالژیک دهه ۱۹۶۰ را آغاز کرد. روزهای وحشی بودن، بینندگان را به سرگذشت طولانی (تا حدی مانند سریال‌های تلویزیونی، زنجیره‌های تاریخی و عموماً شخصیت‌هایی دعوت می‌کند، که بعضی از آن‌ها در اثر حال و هوای عاشقانه ۱۲۰۰۰ و حالا در ۲۰۴۶، دوباره ظاهر شده‌اند.

شخصیت تونی لیونگ که جو مو - وان نام دارد، حلقه ارتباط کلیدی است. لیونگ در پایان روزهای وحشی بودن به‌عنوان یک جوان خوش‌سینما و قهاربار ظاهر می‌شود که خود را برای یک شگردهی آماده می‌کند. صحنه‌ای که احتمالاً پیش‌بینی نشانه‌ای است که وانگ قصد ساختن آن را پس از اکران روزهای وحشی بودن داشته بود. فیلم در آن زمان قرار بود دو قسمتی باشد، اما شکست فیلم در هجده هفته وانگ را برای ساخت قسمت دوم، ویران کرد. هرچند، ده سال بعد، در حال و هوای عاشقانه به رویای اصلی‌اش برای ادامه دادن داستان تمام روزهای وحشی بودن به فیلمی دیگر، تحقق بخشید. اکنون با ۲۰۴۶، او همچون گذشته است که سه گانه‌ی درباره آن‌چه او عاشق در دهه ۱۹۶۰، می‌نامد.

۲۰۴۶: سرگذشتی را که در روزهای وحشی بودن، معلق بود، به‌دقت با نام

می‌نهد و تحلیلی فلسفوی وانگ درباره دهه ۱۹۶۰ را به‌کمال می‌رساند. فیلم همین‌طور مانند سایر آثار وانگ جزئی به‌عنوان یک فیلم، فیلم، پایان روند تولید گسترده و طولانی خود فیلم را نشان می‌دهد. نمونه کلاسیکی از شیوه آرت‌هایس و زمان طولانی، فیلسوفی وانگ که واکنش‌های زیادی را علیه گزینش فراتر از وانگ به‌عنوان یک فیلمساز پُر رختوپوش، مورد حمله یا تسخر واقع شده که نمی‌تواند فیلم‌اش را تمام کند و یا با همه انتقادات احتمالی، قهار است که آن را فقط از سال ۲۰۴۶ تمام کند. تأخیر او در تهیه برنامه‌ها در جشنواره فیلم کن سال گذشته و سپس عقب کشیدن قرار اکران فیلم در هنگ‌کنگ برای اکثرترین پیش‌تروی فیلم، هم‌عیه او در دست گرفته شد. پنج سالی که طول کشید تا وانگ ۲۰۴۶ را بسازد به‌عنوان یک رکورد در تاریخ سینمای هنگ‌کنگ ثبت شده است. در حقیقت، با فرض این‌که فیلم جمع‌بندی سه گانه دهه ۱۹۶۰ است که نخستین آیزود آن در ۱۹۹۰ تمام شد، مقدار زیاد زمانی که در آن، بیرونه در ذهن وانگ شکل گرفته بود، احتمالاً بسیار طولانی‌تر از ۵ سال جدایی‌ناپذیری است که وانگ صرف ساخت فیلم کرد.

به‌خاطر تولید طولانی، شرایط توجه بیش‌تری را به‌فیلم جلب و حساسی از انتظار را خلق کرد. محصول تمام‌شده نسخه ۱۲۹ دقیقه‌ای بود که در هنگ‌کنگ در سپتامبر ۲۰۰۰ نمایش داده شد و به‌عظر می‌رسد که با مجموعه‌ای از استقبال‌های متفاوت روبرو شده به‌طوری که فیلم به‌سرعت در جهان بخش شد.

# ۲۰۴۶ مسئله زمان تلاشی در جهت عشق

سینمای وانگ کار - وای  
بخش پایانی

نوشته استفن تئو  
ترجمه و تلخیص: مینا رضاپور  
got\_elvema166@yahoo.com

سینما



بای لیونگ (وانگ زی‌بی): من نمی‌فهمم که چرا تو این‌قدر به رابطه با زنان علاقه‌مندی؟ اگر یک زن خوب ببینی، آیا او کافی نیست؟ چرا معطل می‌کنی؟  
وان (تونی لیونگ): مردی مثل من جز زمان چیزی ندارد. من احتیاج دارم که آدم‌هایی را پیدا کنم که نیازهای من را برآورده‌کنند.  
بای: برای تو مردم وقت بُرکن هستند؟  
چون نه واقعاً. تمامی اوقات، من وقت‌ام را به‌دیگران قرض می‌دهم.  
بای: امشب چه سطلوره؟ تو وقت، من را قرض می‌گیری، یا من وقت تو را؟

در حالی که استقبال از آن - در هنگ‌کنگ تاخیز بود - در هنگ‌کنگ این یک شکست بود، اما فیلم‌های وانگ هرگز واقعاً در سرزمین مادری خودش با استقبال روبه‌رو نشدند) اگرچه این فیلم، چندین نطفه عطف برای وانگ در برنارد (این نخستین فیلم اوست که در قالب اسکوپ است، گران‌ترین فیلم بلند او و دارای طولانی‌ترین زمان جاری و بیش‌ترین گفت‌وگوهاست، ۲۰۲۶ شامل هیچ موضوع جدیدی در سبک یا داستان نمی‌شود.

این وانگ کار - وای ضرورت‌گرا essentialist است که در فیلم‌هاش، داستان طبق معمول توسط تک‌گویی‌ها پیش می‌رود و تحت سلطه شیوه داستان‌گویی ایزودیک و گسیخته‌مرسوم کارگردان قرار می‌گیرد. از این جهت، وانگ خودخواه نبوده است (و ۲۰۲۶ با احتمال قوی یکی از آثار ملایم‌تر و کم‌تر از بقیه



وانگ که چنین نشان می‌دهند که به یک ژانر یا دیگری تعلق دارند - فیلم گسترتری در همان‌طور که اشک‌ها جاری می‌شوند ۱۹۸۸، فرشتگان سقوط کرده ۱۹۹۵، فیلم زمزمی در خاکسترهای زمان ۱۹۹۲ یا ملودرام عاشقانه در تر حال و هوای عاشقانه - مسئله زمان یک نوع ملامت‌مک‌مخمس است که وانگ به‌محض این‌که آن را انتخاب می‌کند، (بدون تدارک قبلی) ارسال می‌کند. تاکنیک وانگ همیشه گزینش ژانرهای جریان غالب سینما بوده است و موضوع، قرار دادن آن‌ها برای سبک داستانی ذهنی‌اش، که سرانجام ژانر را برمی‌اندازد.

در ۲۰۲۶، وانگ بلافاصله دکور آینده‌نگارانه‌اش را عرضه می‌کند، (۲۰۲۶) جایی است که هر کسی به آن می‌رود تا خاطرات فراموش شده‌اش را احیا کند و سپس از فرضیه علمی - تخیلی‌اش جدا می‌شود تا رشته زندگی جو - مو - وان را از همان جایی که آن را در «در حال و هوای عاشقانه» کنار می‌گذارد، در دست بگیرد، (۲۰۲۶) سپس تبدیل به شماره اتاق یک هتل در هنگ‌کنگ می‌شود، جایی‌که جو در آن سکونت دارد و جایی‌که چندین رابطه عاشقانه را با چندین زن از پیش برده است. فیلم به یک فرم چینی ملودرام، تغییر جهت می‌دهد (در اصطلاح‌شناسی چینی Wenyi Pian) که سبک سفر یک عیاش را به‌وسیله بازیابی خود تصویر می‌کند. با وجود این، اگر ژانر برای فهم فیلم‌های وانگ ضروری باشد، در نظر آوردن ۲۰۲۶ به‌عنوان یک ملودرام یا داستان عاشقانه علمی - تخیلی سودمندتر نخواهد بود تا آقرار به این‌که، مانند بیشتر فیلم‌های وانگ، ۲۰۲۶ واقعاً در هیچ طبقه‌بندی ژانری ویژگی‌های نمی‌گنجد. ۲۰۲۶، ملودرام فیلمی است درباره حال و هوا و شخصیت‌ها، اندوه‌یاری در لحن، تحت سایه‌ای از حس غم تقدیرگرایی و تسلیم. جوهره فیلم، واکنش عاطفی افراد به تغییر است، که در طول زمان تأثیر می‌گذارد، واکنشی با تأخیر، که همان‌طوری که تغییر ظاهر می‌گردد انجام می‌شود.

وانگ مکرراً، شخصیت‌ها را نشان می‌دهد که به اهستگی درد جدایی یا کمبود عشق، بر آن‌ها چیره می‌شود. جو - مو - وان (تونی لپونگ) هنوز اسیر رابطه‌اش با مگی جیونگ (سولای - چن) است و ارتباطش با زن‌های مختلف ۲۰۲۶ (عمدتاً با ژانگ زسی رقاص، فای وانگ، دختر صاحب هتل، کمانگ لی، قمارباز سیاه‌پوش که به مانداری می‌گردد) (ژان چینی رسمی) صحبت می‌کند و لمس می‌کند مگی جیونگ، سولای - چن است) تحت تأثیر رابطه عشقی شکست‌خورده فعلی‌اش قرار می‌گیرند. استعاره واکنش با تأخیر، به‌شوی‌های ادامه می‌یابد که در آن جو، صورتی‌تر به این رابطه شکست‌خورده واکنش نشان می‌دهد و چقدر این امر بر او به‌عنوان موجودی انسانی، تأثیر می‌گذارد. در یکی از ایزودهای علمی تخیلی (که داستانی است که چ و در میان دو رابطه عاشقانه - ناپیوسته) روایت‌هایی که مانند انسان‌ها هستند، از طریق واکنش با تأخیر، به احساسات انسانی نظاهر می‌کنند، همان‌طور که یکی از شخصیت‌ها توضیح می‌دهد: «اگر تو آن‌ها را متأثر کنی و آن‌ها بخوانند که می‌توانند، یک روز طول می‌کشد که اشک‌های‌شان شروع به جاری‌شدن کند» در خود داستان اصلی همه شخصیت‌های کلیدی، به غیر از جو - مو - وان زیاد اشک می‌ریزند. زمان، آشکارا عاطفه جو را سخت کرده است، فرضیه ۲۰۲۶ این است که زمان بیشتر به آینده گسترش می‌یابد و عاطفه بیش‌تر با تأخیر ابراز می‌گردد. در مورد جو، وانگ نشان می‌دهد که عاطفه هرگز، کاملاً از بین نمی‌رود. جو - مو - وان، نویسنده‌ای است که

بزرگ‌زوبرتی، مسایبون‌ها دلازی که او خرج کرد در سراسر طراحی تولید بزرگ‌زوبرتی فیلم (نویسنده همکار، قسلی، وانگ، و نلام جنگ) آشکار هستند: فیلم‌برداری در شب و در زمانی گرمسیر، گوان یون لپونگ و لایا سیو - فای میسک الکتریکی معمول حاشیه‌های صوتی، موسیقی متن‌های خاطر‌ناگیز (نویسنده آهنگ‌ساز ژاپنی شگرو اومایباشی و آهنگ‌ساز آلمانی پیر رابن) انتخاب ایزا ناز نورما و «پیرانه‌های پهنی» و نمونه‌های قدیمی (آوازهای نات‌کینگ کول، دین مارتین، کاتی فرانسیز) و در استفاده از ستاره‌هایی که همه آسیایی‌اند (تونی لپونگ، ژانگ زی‌ئی، گانگ لی، تاکویا کیمورا، چانگ چن).

یک ضربه علمی - تخیلی در طرح وجود دارد، چنان‌که می‌تواند تأثیری از یک فیلم معلول از جلوه‌های ویژه، به‌دست دهد. اما همچون پیش‌تر فیلم‌های

بیش تر به شخصیتی نزدیک است که آن چه را که نویسنده در ذهنش نگه می‌دارد و در ذهنش می‌نویسد، به عنوان «زنج‌های یک وجدان شگفتناک» می‌نماید. حاصل می‌کند (تأثیری یکی از تأثیرات ادبی بر فیلم است). در این طرز تفکیک نویسی - جو - جو - جان - می دیگر وانگ است. وانگ به عنوان یک کارگردان و نویسنده عواطف سخت ندانان را بسیار خاطر انگیزتر از دیگر هم‌عصرانش، نشان داده است. به غیر از اوسامو دازای، وانگ از لوبو بی چنگ نیز الهام گرفته است. که یک نویسنده نسبتاً ناشناخته هنگ‌کنگی است که رمان او حیوان (دانش‌العمرا) در ۱۹۶۲، نخستین رمان جریان سیال ذهن ادبیات مدرن چین شناخته می‌شود. گرچه در تیرتاژ فیلم قید شده است، ۲۰۴۶ می‌تواند به عنوان اقتباسی آزاد از «دانش‌العمرا» در نظر گرفته شود، که از آن میان نویسنده‌ها و برخی از گمنام‌های فیلم اقتباس شده‌اند (وانگ همچنین جملاتی را از «قلم» داستان کوتاه لوبو وام گرفته بود، که تأثیر ادبی اصلی بر «در حال و هوای عاشقی» بوده.

شخصیت جو - جو - وان به روشی برعکس یکی از قهرمانان اول - شخص رمان لوبو نباشد است. یک نویسنده الکلی بیزار از زندگی که از طریق نوشتن آهنگ‌های رزمی و داستان‌های عامه‌پسند پورنوگرافیک زندگی می‌گذراند. رمان که رابطه او را با زنان مختلفی توصیف می‌کند که شامل یک دختر رقص و دختر جوان صاحب‌خانه‌اش است، وجود بی‌نیات او در هنگ‌کنگ دهه ۱۹۶۰ برجسته می‌کند. نویسنده از ناتوانی ذاتی‌اش در لطافت نوشتن به عنوان یک هنر که به مثال حقیقت درونی است یا نوشتنی که به عنوان یک کسب‌وکار تجاری و عملی است که صرفاً «طبیعت را توصیف می‌کند» نارساست. او هنگ‌کنگ را



از دوگاه نجمع، شرارت‌های متنوع (اجنابیت، هنرستیزی، رشوه‌خواری، روسپی‌گری‌ها می‌بیند)، و بهای نهایی عاطفی از زندگی در یک چنین جامعه‌ای را با تسلیم‌شدن به الکلی و فساد می‌پندارد. شخصیت، تا اندازه‌ای از طریق احساس می‌کند که، منحصر به فرد بودن هنگ‌کنگ فقط می‌تواند از طریق متناظران به رنج آن، تجربه شود.

وانگ با ۲۰۴۶، از درس اخلاقی این‌تلا به رنج سنتایش می‌کند که توسط «دانش‌العمرا» لوبو چانگ گفته می‌شود و به سختی جرم جامعه هنگ‌کنگ را متخلف می‌کند، به همین ترتیب، فیلم، حساس از تفسیر پنهان در مورد ستم‌رسانی هنگ‌کنگ در بردارد که آن را به سوی آینده‌اش سوق می‌دهد (۲۰۴۶ همچنین ارجاعی است به ضرب‌الاجل ۵۰ ساله گذشته که تاریخ این کشور منتهی شده است که هیچ تفسیری در نظام اقتصادی و سیاسی هنگ‌کنگ پس از انتقال حاکمیت توسط بریتانیا به چین در یکم جولای ۱۹۹۷، صورت نگرفته است. آینده هنگ‌کنگ از خلال مشهور زمان گذشته دهه ۱۹۶۰ دیده می‌شود و این که طریق مشهور زندگی نویسنده و تجربیات جنسی و عاشقانه‌اش با چنین رنجی که به نظر می‌رسد که چیزی بیش از وقت پرکن نباشد، دیده می‌شود. وانگ اشاره می‌کند که زندگی جو - جو - وان تا حدی توسط هنگ‌کنگ معلوم می‌شود. به عنوان جایی برای زمان و مگر گرفته شده (۱۹۹۷ و اکنون، سررسید پنجاه ساله

۲۰۴۶). که هنگ‌کنگ را در میان جوامع بشری منحصر به فرد می‌سازد وانگ باعث می‌شود که ما منحصر به فرد بودن هنگ‌کنگ را به واسطه رنج نویسنده‌اش احساس کنیم و البته این واقعاً رنج وانگ است که ما حس می‌کنیم. در این روش این‌تلا به رنج، وانگ کار - وای ضوابط هنرمند را تحقیر می‌بخشد که موضوع داستان

عاشقانش را گزارش بود. تولید کرده است و به نظر نمی‌آید که اعبت دهد که احتمالاً افراد گوناگون در سرتیترهای رمان این‌تلا شاید فیلم‌های ویشن بودن را ندیده باشند. فیلم در هر دو کشور و بر روی آن طرح هنرمند تقریباً نظری و انتزاعی است که به واسطه طنزها و استعاره‌های نویسنده از طرح در نوشته ایجاد شده است. جو - جو - وان به شدت درگیر فکر و احساس عشق است. طرح رابطه با لوبو - جن در «در حال و هوای عاشقی» است. این فیلم‌ها در حالی که جن به تنها اشتیاق را بر می‌انگیزد بلکه یک نمای درونی انتزاعی از عشق است. در هر دو فیلم حساس را به رنگ و بوی می‌کند که جو به کسود آن در رابطه‌اش با شخصیت وانگ کار می‌شود. او شریک هنرآرنگی جو می‌شود اما از رضای شهوانی جو به روشی در عین‌حقیقتی را به‌صرفه نمی‌آورد.

جو - جو - وان در «در حال و هوای عاشقی» می‌گوید: «شهر این است که درون زمان و خاطره را نگه داشته است. وانگ نشان می‌دهد که نظریه شهوانیت، نبود یا در خواب‌های است که نویسنده در طول «در حال و هوای عاشقی» در طرح تکرار نوشته ۲۰۴۶ است.

عاشقانه وانگ حساسی در سرتیتر می‌شود که به تکرار کار - وای نگاه به یکدیگر. هر دو حساسی که نظریه شهوانیت است که زمان و منابع عظیم مالی را که برای ساختن شاهکارهای جنسی بسیار انتزاعی و شخصی‌اش. این آن‌ها نیز نشان می‌دهد که کارگردان کاری که هیچ کارگردان دیگری از هنرمندان او در سرتیتر هنگ‌کنگ، حرف‌های بی‌حجاب آن نشده است. □